

دوره‌ی زبان‌ها و ادبیّات ایران باستان

اهداف کلی فصل

- ۱- آشنایی با خواجه عبدالله انصاری و نوع نثر او در مناجات‌نامه
- ۲- آشنایی با اقوام اولیه ایران و ادبیّات آن دوران
- ۳- آشنایی با نمونه‌های نثر قبل از اسلام
- ۴- آشنایی با ادبیّات دوران هخامنشی، اشکانی و ساسانی
- ۵- آشنایی با اندیشه و باورهای مردم این

دوران

- ۶- تجربه‌اندوزی از گنجینه‌های علمی و

ادبی این دوران

- ۷- توانایی انجام فعالیت‌های یادگیری



مناجات



خواجه عبداللّه انصاری از دانشمندان و عارفان قرن پنجم هجری است که در هرات متولد شد.

از آثار معروف او الهی نامه، زادالعارفین، مناجات نامه و رساله ی دل و جان را می توان نام برد.

مناجات های خواجه عبدالله مملو از مضامین عرفانی بوده و به صورت نثر مسجع و بسیار لطیف و دل نشین بیان شده است. خواجه در سال ۴۸۱ ه.ق. در هرات بدرود حیات گفت.

فرزند و عیال و خانمان را چه کند	آن کس که تو را شناخت جان را چه کند
دیوانه کنی تو هر دو جهان را چه کند	دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی

ای کریمی که بخشنده ی عطایی و ای حکیمی که پوشنده ی خطایی، و ای احدی که در ذات و صفات بی همتایی و ای خالق که راهنمایی و ای قادری که خدایی را سزایی، به ذات لایزال خود و به صفات با کمال خود و به عزّت و جلال خود و به عظمت جمال خود (۱) که جان ما را صفای خود ده و دل ما را هوای خود ده و چشم ما را ضیای خود ده و ما را آن ده که آن به.

الهی اگر به دوزخ فرستی دعوی دار نیستم، و اگر به بهشت فرمایی بی جمال تو خریدار نیستم. مطلوب ما برآر که جز وصال تو طلبکار نیستم.

الهی روزگاری تو را می‌جستم خود را می‌یافتم، اکنون خود را می‌جویم و تو را می‌یابم (۲)
الهی اگر خامم پخته‌ام کن، و اگر پخته‌ام سوخته‌ام کن.

الهی اگر کاسنی تلخ است از بوستان است و اگر عبدالله مجرم است از دوستان است* (۳)

سخن کوتاهی درباره‌ی ایران و شکل‌گیری تاریخ آن

واژه‌ی «ایران» اسم مکان است، به معنی زیستگاه ایرانیان. اطلاق نام «ایران» به سرزمینی که ما در آن زندگی می‌کنیم از سه هزار سال پیش صورت گرفته است، یعنی از هنگام ورود «آریایی»‌ها به این سرزمین، بنابراین نمی‌دانیم که پیش از آمدن آریایی‌ها ایران چه نام داشته است.

آریایی‌ها، شاخه‌ای از قوم هند و ایرانی هستند و آن خود شاخه‌ای از قوم بزرگ و مفروض هند و اروپایی است. این اقوام در سده‌های پایانی هزاره‌ی دوم و اوایل هزاره‌ی اول پیش از میلاد، از سکونت‌گاه اصلی خود که در مناطق سیبری قرار داشت، برای دستیابی به زیستگاه بهتر، زمین‌های حاصل خیزتر و آب و هوایی مناسب‌تر، به داخل آسیا مهاجرت کردند. در همان آغاز گروهی از آنان به سوی اروپا رفتند که به آنان «هند و ژرمنی» یا «هند و اروپایی» گفته می‌شود و نیمی دیگر به طرف جنوب آمدند که به اینان «هند و ایرانی» اطلاق شده است. از این گروه قبایلی به شبه قاره‌ی هند رهسپار شدند که اقوام «هندی» را تشکیل دادند و بقیه به فلات ایران وارد شدند که به نام «آریایی» یا «ایرانی» خوانده شدند.

بنابه نقل هرودت، مورخ یونانی، در کتاب بزرگ خود «تواریخ»، نام تعدادی از اقوام ایرانی عبارت بود از: مادها، پارس‌ها، سکاها، پرن‌ها، پرتوه‌ها و ... که از این میان، مادها در نواحی آذربایجان و اصفهان و ری و همدان ساکن شدند و توانستند در اوایل هزاره‌ی اول پیش از میلاد، نخستین حکومت را در این سرزمین بنیان بگذارند. در اواسط هزاره‌ی اول پیش از میلاد، پارس‌ها در جنوب و کناره‌های دریای جنوبی فلات اقامت گزیدند و نام خود را به این سرزمین دادند که نام سرزمین پارس یا فارس و همچنین نام دریای جنوبی، یعنی دریای فارس یا خلیج پارس، یادگار همان ایام است. پارس‌ها دومین حکومت گسترده را در ایران پدید آوردند و با افزودن سرزمین‌هایی در شرق و غرب، که از دره‌ی سند تا شمال آفریقا را شامل می‌شد، شاهنشاهی خود را توسعه بخشیدند. بدین گونه زبانی هم که اینان بدان گفت‌وگو می‌کردند «پارسی» و بعدها فارسی نامیده شد که زبان امروز

* این نمونه‌ای از تر مسجع است که در مناجات خواجه عبدالله انصاری بیش‌تر به چشم می‌خورد.

مردم ایران دنباله و صورت تحوّل یافته‌ی همان زبان است. چون بنیان‌گذار یا بزرگ قبیله‌ی پارس‌ها، هخامنش نام داشت، پادشاهان این سلسله خود را هخامنشی خواندند که حکومت آنان تا سال ۳۳۰ ق.م در این سرزمین‌ها بر جا بود. بنابر نوشته‌ی داریوش بزرگ در بیستون، هخامنشیان ۲۸ ایالت را تحت سیطره‌ی خود داشتند.

ادب و ادبیات

ادب: واژه‌ی ادب، واژه‌ای فارسی است و از ریشه‌ی دَب آمده است. واژه‌های دبیر، دبستان، دبیرستان و ... از این ریشه است. در فرهنگ لغات برای این واژه معنی‌های گوناگونی نوشته‌اند و بیش‌تر آن را مترادف با دانش و فرهنگ دانسته‌اند و علم ادب را به معنی آشنایی با فن‌هایی دانسته‌اند که به‌وسیله‌ی آن‌ها، انسان می‌تواند راه بازشناختن خوب را از بد و درست را از نادرست فراگیرد. این فن‌ها را چنین نام برده‌اند: «لغت، صرف، نحو، اشتقاق (دستور زبان)، معانی، بیان، بدیع، عروض، قافیه، خط، انشا، تاریخ و ...» (دایرةالمعارف مصاحب)

تاریخ ادبیات

تاریخ ادبیات عبارت است از بیان و بررسی تحولات ادبی و هنری و فکری که در طول حیات ملّتی رخ داده، آثاری که به زبان یا زبان‌های آن‌ها نوشته شده، شرح حال پدیدآورندگان آن آثار و بیان و بررسی نوع هنرها یا فنون به‌کار رفته در آن‌ها.

ادبیات ایران

زبان و ادبیات ایران از زمان به‌وجودآمدن سرزمینی به نام «ایران» سه دوره یا سه مرحله‌ی تاریخی را پشت سر گذاشته است:

- ۱- دوره‌ی زبان‌ها و ادبیات ایرانی باستان (از هنگام تشکیل دولت ماد تا پایان هخامنشیان - یعنی از اوایل هزاره‌ی اول قبل از میلاد تا ۳۳۰ قبل از میلاد)
- ۲- دوره‌ی زبان‌ها و ادبیات ایرانی میانه (از پایان حکومت هخامنشیان تا پایان ساسانیان ۳۳۰ ق.م - ۶۳۶ م)
- ۳- دوره‌ی زبان‌ها و ادبیات ایرانی نو (از هنگام استیلای عرب و در حقیقت قرن سوم و چهارم هجری به بعد)

توضیحات

- ۱- صفات خداوند تبارک و تعالی را به دو دسته‌ی عمده تقسیم کرده‌اند که عبارت است از صفات جلالیه و جمالیّه که هر کدام خود مجموعه‌ای از صفات لایزال خداوند را شامل می‌شود. در این جا خواجه به جمیع صفات خداوند سوگند یاد می‌کند.
- ۲- هر کس که خود را شناخت، خدای خود را شناخته است.
- ۳- خدایا اگر هم مجرم هستم از دوستان هستم و طالب بخشش و عفو.

خودآزمایی

- ۱- نثر آغازین کتاب چه نوع نثری است؟
- ۲- منظور از جمله‌ی «اگر به بهشت فرمایی بی‌جمال تو خریدار نیستم» چیست؟
- ۳- نمونه‌ی دیگری از مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری را در کلاس بخوانید.
- ۴- آریایی‌ها از چه قومی بودند؟
- ۵- سه قوم از اقوام اولیه‌ی ایران را نام ببرید.
- ۶- تاریخ ادبی ایران به چه دوره‌هایی تقسیم می‌شود؟

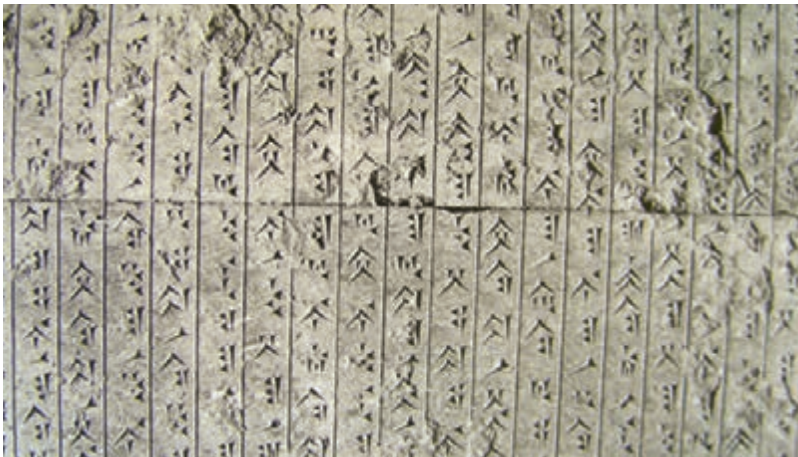
دوره‌ی زبان‌ها و ادبیات ایرانی باستان و نمونه آثار بازمانده از آن دوران

در این دوره، چهار زبان وجود دارد که عبارت‌اند از زبان‌های سکایی، مادی، فارسی باستان و اوستایی. نام هریک از سه زبان‌ها اول منتسب به نام اقوامی است که به آن زبان‌ها تکلم می‌کردند و زبان چهارم، یعنی زبان اوستایی، زبان دینی مردم ایران و منتسب به کتاب اوستا، کتاب مقدس پیامبر ایرانی زردشت است.

در بین زبان‌های باستانی ایران، تنها زبان فارسی باستان خط و نوشتار داشت و آثاری از آن باقی مانده است. بیش‌ترین آثار به خط فارسی باستان و شامل نوشته‌ها و فرمان‌های شاهان هخامنشی و اکثراً مطالب سیاسی – تاریخی است که از این جهت بسیار ارزشمند است ولی فاقد ارزش ادبی به معنای خاص آن می‌باشد.

خط زبان فارسی باستان را خط میخی خوانده‌اند زیرا حروف الفبای آن از کنار هم قرارگرفتن نشانه‌هایی که شکل میخ‌اند پدید آمده است.

خط میخی برگرفته از خط میخی عیلامی و بابلی (همسایگان غربی ایران) و صورت تکامل‌یافته‌ی آن‌ها بوده است. مهم‌ترین آثار بازمانده از خط و زبان فارسی باستان عبارت‌اند از: لوحه‌ی زرین آریارمن، لوحه‌ی زرین آرشام و کتیبه‌ی کورش در پاسارگاد. منشور یا فرمان کورش کبیر، کتیبه





داریوش بزرگ در بیستون، کتیبه‌های
داریوش در تخت جمشید و نقش رستم
و شوش، الواح به دست آمده در مصر،
کتیبه‌ی گنج‌نامه‌ی همدان، کتیبه‌های
خشایارشا در تخت جمشید و شوش و
گنج‌نامه در وان و نیز لوح سنگی او،
کتیبه‌ی اردشیر اول در تخت جمشید،
کتیبه‌ی داریوش دوم در شوش، کتیبه‌ی
اردشیر سوم در شوش و لوح زرین او

در همدان و کتیبه‌ی وی در گنج‌نامه‌ی همدان، بالاخره کتیبه‌های آرامگاه‌های اردشیر سوم و داریوش
کبیر و اردشیر سوم در تخت جمشید.

بزرگ‌ترین کتیبه‌های فوق مربوط به داریوش، در کوه بیستون (بغستان) است که در آن جریان
طغیان گئوماتا و غلبه‌ی داریوش بر او یاد شده و نام کشورهای تابعه نیز در آن آمده است. اغلب این
کتیبه‌ها با ستایش «اهورامزدا» آغاز می‌گردد. این امر نشان‌دهنده‌ی آن است که ما ایرانیان از سه هزار
سال پیش، مردمی موحد و خداشناس بوده‌ایم.

ترجمه‌ی نمونه‌ای از کتیبه‌های شاهان هخامنشی چنین است :

«خدای بزرگ [است] اهورامزدا، که این زمین را آفرید، که آن آسمان را آفرید،
که مردم را آفرید و شادی را برای مردم آفرید، که داریوش را شاه کرد. یک شاه از
بسیاری، یک فرماندار از بسیاری ...»
(از کتیبه‌ی داریوش کبیر در نقش رستم)

درباره‌ی این که چرا آنان هخامنشی خوانده شده‌اند، داریوش کبیر در کتیبه‌ی بزرگ خود در
بیستون می‌گوید :

«من داریوش، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه در پارس، شاه کشورها، پسر ویشتاسب،
نوه‌ی ارشام هخامنشی، داریوش شاه گوید : پدر من ویشتاسب، پدر ویشتاسب ارشام،
پدر ارشام اریارمن، پدر اریارمن چیش پیش، پدر چیش پیش هخامنش [بود]. داریوش
شاه گوید بدین جهت ما هخامنشی خوانده می‌شویم ...»

لازم به یادآوری است که غیر از خط میخی پارسی که کتیبه‌ها با آن نوشته می‌شده و در حقیقت خط و زبان ملی و رسمی بوده، در آن زمان خط میخی دیگری نیز به زبان آرامی در ایران وجود داشته که نوشتن آن آسان‌تر از خط میخی پارسی بوده است. خط میخی عیلامی هم در دستگاه‌های دولتی هخامنشیان رایج بوده است که از نمونه‌های بازمانده‌ی آن در حفاری‌های باستان‌شناسی تخت جمشید طی سال‌های ۱۳-۱۳۱۲ شمسی حدود ۴۰۰۰۰ لوحه‌ی گلی یافت شد که مربوط به بایگانی دیوانی زمان داریوش بزرگ می‌باشد.

اوستا و زبان اوستایی

چنان که گفته شد، زبان اوستایی منسوب است به اوستا، کتاب مقدس زردشت پیامبر ایرانی. این زبان همواره به‌عنوان یک زبان دینی از زمان زردشت (حدود ۱۲۰۰ تا ۸۰۰ قبل از میلاد) مورد استفاده بود، لذا زبانی باستانی و مربوط به دوره‌ی ایران باستان می‌باشد.

باید دانست که اوستا برای قرن‌ها مکتوب نبود و مطالب و دستورات آن سینه به سینه در میان زردشتیان انتقال یافت تا این که در دوره‌ی زبان‌های ایرانی میانه، یعنی زمان ساسانیان، احتمالاً در دوران اردشیر بنیان‌گذار سلسله‌ی ساسانی و یا شاپور اول، از همین سلسله، به رشته‌ی تحریر درآمد.

متن اوستای کهن شامل بیست و یک نسک یا جلد بوده است که به مرور زمان در اثر حوادثی که در تاریخ ایران پیش آمده، بسیاری از آن از بین رفته است. اوستای موجود تنها بخشی از اوستای کهن و شامل پنج کتاب است به نام‌های :

۱- یسنا: که شامل ۷۲ فصل است و هر فصل آن «هات» یا «ها» نامیده می‌شود. مهم‌ترین بخش یسنا «گاهان هفده هات» می‌باشد که کهن‌ترین بخش اوستا و سروده‌های خود پیامبر زردشت نیز هست.

۲- ویسپرد: (یعنی همه‌ی بزرگان دین) که شامل ۲۴ فصل یا «کرده» است و هر کرده خود شامل بندهایی است.

۳- یشته‌ها: (یعنی نیایش‌ها) که شامل ۲۱ «یشته» است.

۴- وندیداد: (یا : وی دیوداد، یعنی قوانین ضد دیو) که شامل ۲۲ «فرگرد» یعنی فصل است.

۵- خرده اوستا: (یعنی اوستای کوچک) که خلاصه‌ای است از اوستای دوره‌ی ساسانی که به‌وسیله‌ی موبد بزرگ زمان شاپور دوم (۳۹۰-۳۷۹ م) به‌وسیله‌ی آذرباد مهر اسپندان، گردآوری و نوشته شده است.

اهمیت اوستا

اوستا افزون بر آن که کتاب مقدس دینی ایرانیان باستان و زردشتیان امروز و دارای دستورالعمل‌های اخلاقی و دینی است، از نظر ادبیات کهن ایرانی، دربر دارنده‌ی مطالب مهمی از باورهای کهن ایرانیان و اساطیر ایران، شامل عقیده‌ی آنان نسبت به آفرینش و مرگ و رستاخیز و غیره است. همین مطالب بعدها سبب پیدایش افسانه‌ها و حماسه‌های ملی ایرانیان شده است که مهم‌ترین آن‌ها، خدای‌نامه‌ها و بهمن‌نامه و غیره و از همه مهم‌تر شاهنامه‌ی فردوسی گردیده است.

از این اساطیر، چنین برمی‌آید که پیش از تشکیل دو سلسله‌ی پادشاهی ماد و هخامنشی، دو سلسله‌ی پادشاهی دیگر در ایران اصلی یا «ایرانویج» وجود داشته است که اولی «پیشدادیان» (یعنی نخستین قانون‌گذاران) بوده‌اند که پایه و اساس تمدن را در این سرزمین بنیان نهاده‌اند. نام شاهان این سلسله بدین گونه برشمرده شده است: کیومرث (که بنابراین باورها، نخستین انسان و نخستین شاه بوده). هوشنگ، تهمورث، جمشید، ضحاک، فریدون، منوچهر، نوذر، افراسیاب، زو و گرشاسب که جمعاً حدود ۲۵۰۰ سال سلطنت کرده‌اند. سلسله‌ی پادشاهی اساطیری دیگر «کیانیان» بوده‌اند که به ترتیب پادشاهان آن سلسله عبارت بوده‌اند از: کی قباد، کی کاووس، کی خسرو، کی لهراسب، کی گشتاسب، بهمن، همای، داراب و دارا؛ که دارا یا دارای دارایان به دست اسکندر مقدونی مغلوب و کشته شده است.

چنان که ملاحظه می‌شود وقایع پایان سلسله‌ی اساطیری کیانیان با وقایع پایانی سلسله‌ی پادشاهی تاریخی هخامنشیان درهم شده است.

در اوستا به مسئله‌ی آفرینش موجودات نیز پرداخته شده است بر این اساس، اهورامزدا خدای آفریننده‌ی همه‌ی موجودات نیکوی جهان است، لکن همواره مورد تعرض اهریمن، که موجودی فناپذیر است و همراه اهورامزدا به وجود آمده می‌باشد، لکن در سرانجام جهان، اهریمن نابود می‌شود و اهورامزدا و آفریده‌های او باقی خواهند ماند تا رستاخیز صورت گیرد. بنابراین باورها ظهور زردشت در زمان سلطنت کی گشتاسب اتفاق افتاده است.

اوستا، یکی از آثار بسیار برجسته‌ی فرهنگ ایرانی و بشری است که به باورها و آیین‌ها و دستورالعمل‌های اخلاقی و نیز اساطیر کهن ایرانی پرداخته است. این کتاب به اکثر زبان‌های زنده‌ی دنیا و نیز به زبان فارسی ترجمه شده است. اصل اوستا در روزگار کهن به صورت شعر هجایی بوده است. نوشتن و کتابت اوستا، چنان که اشاره شد حداقل با هزار سال فاصله از زمان پیدایش آن، در دوران ساسانیان صورت گرفت و خط آن خطی بود که از الفبای فارسی میانه (پهلوی) اخذ شده و کامل گردیده بود و می‌توان گفت که کامل‌ترین خط ایرانی در طول تاریخ بوده است.

هخامنشیان سه پایتخت مهم به نام‌های تخت جمشید، شوش و همدان داشتند که در فصول مختلف سال از آن‌ها استفاده می‌کردند. پس از آن که اسکندر مقدونی به ایران تاخت و حکومت تضعیف شده‌ی هخامنشیان را در سال ۳۳۰ ق م برانداخت، مدتی (حدود ۹۰ سال) جانشینان او به نام سلوکیان در ایران حکومت کردند اما با تمام کوششی که برای از بین بردن فرهنگ ایرانی کردند به این کار موفق نشدند. سرانجام قوم پَرثوه‌ها (پارت‌ها) آنان را از ایران راندند و دوباره حکومتی ایرانی و ملی در این سرزمین به وجود آوردند. پارت‌ها را به مناسبت نام بنیان‌گذار آن — ارشک یا اشک — اشکانی خوانده‌اند. دولت اشکانیان هرچند به گستردگی شاهنشاهی هخامنشی نبود، اما دوباره نام ایران و ایرانی را در جهان آن روز مطرح کرد. پارت‌ها حدود ۴۷۵ سال (یعنی تا سال ۲۲۶ میلادی) سلطنت کردند و از نو فرهنگ و هنر و زبان‌های ایرانی را رونق بخشیدند و به حق مجد و عظمت دیرین را زنده ساختند. در تداوم این اوضاع، ساسانیان که قبیله‌ای پارسی بودند با برانداختن اشکانیان حکومت را به دست گرفتند (در سال ۲۲۶ م) تا این که در سال ۶۳۶ میلادی که با ضعف حکومت مرکزی، مورد تعرض همسایگان غربی ایران که با ظهور و طلوع دین اسلام قدرت یافته بودند، قرار گرفتند. در این ماجرا چون عامه‌ی مردم ایران از حکومت خود رضایت نداشتند و فشارهای سیاسی و مذهبی حاکم بر آنان دیگر قابل تحمل نبود، مقاومتی از خود نشان ندادند و بدین طریق شاهنشاهی ساسانی منقرض گردید. با ورود دین مبین اسلام به کشور ما ایرانیان به اسلام گرویدند و دوران تازه‌ای در این سرزمین شکل گرفت که با دگرگونی‌هایی تا به امروز ادامه دارد.

نکته

دشمنان تو بهترین راهنمایان تو‌اند.
زیرا دشمن عیب تو را می‌گوید و در رفع آن می‌کوشی،
ولی دوست تو آن را می‌پوشاند و عیب بر تو می‌ماند.

ابوحیان توحیدی

خودآزمایی

- ۱- ثر قبل از اسلام به چند دوره تقسیم شده است؟
- ۲- اکثر نوشته‌ها و فرمان‌های زمان هخامنشیان در چه موردی است؟
- ۳- از کتیبه‌های به‌جامانده‌ی دوره‌ی هخامنشی چه نکات اخلاقی را متوجه می‌شویم؟
- ۴- ایرانیان در زمان هخامنشیان به چه زبانی سخن می‌گفتند؟
- ۵- نام پایتخت‌های هخامنشیان را ذکر کنید.
- ۶- مهم‌ترین محل ثبت الواح داریوش را نام ببرید.
- ۷- اوستا متشکل از چند کتاب است و نام آن کتب چیست؟
- ۸- نیروهای خیر و شر موجود در اوستا را نام ببرید.
- ۹- نخستین بار چه کسی به جمع‌آوری اوستا دست زد؟

دوره‌ی زبان‌ها و ادبیّات ایرانی میانه و نمونه‌ی آثار بازمانده از آن دوران (حدود ۲۲۶ ق م — ۶۳۶ میلادی)



زبان‌های ایرانی میانه که از پایان حکومت سلوکیان تا قرن سوم هجری ادامه یافت شامل زبان‌های گوناگونی می‌شود. (البته برخی از این زبان‌ها تا قرن هفتم هجری نیز ادامه داشته‌اند، مانند زبان خوارزمی)

این زبان‌ها از نظر موازین زبانی و ناحیه‌ی جغرافیایی مربوط به منطقه‌ی رواج آن‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند:

الف — زبان‌های ایرانی میانه‌ی شرقی که خود به دو دسته‌ی شمالی و جنوبی تقسیم می‌گردند و هریک دارای ادبیّات مخصوص خود می‌باشند، که زبان‌های سُغدی و خوارزمی جزو زبان‌های شرقی شمالی و خُتّنی و بلخی جزو زبان‌های شرقی جنوبی هستند (یعنی سرزمین‌هایی که امروز در محدوده‌ی جغرافیایی ایران نیستند).

ب — زبان‌های ایرانی میانه‌ی غربی که خود به دو دسته‌ی شمالی و جنوبی تقسیم می‌شوند. زبان پارتی یا اشکانی یا پهلوی، شمالی است و فارسی میانه (پهلوی ساسانی) جنوبی است.

از زبان و خط اشکانی جز نوشته‌های کوتاهی بر روی پوست و سکه‌ها و برخی ظروف و یکی دو کتیبه‌ی کوچک که مربوط به دوران خود اشکانیان است، چیزی باقی نمانده است. اما از خط و

زبان فارسی میانه (پهلوی ساسانی) خوشبختانه آثار فراوانی به جا مانده که در زمینه های گوناگون ادبیات، تاریخ، اساطیر، مذهب، شعر، اندرزنامه و ... نگاشته شده، که غنای فرهنگی ایران و ادبیات گسترده ی آن دوران را می نمایاند.

خط زبان های پهلوی (چه اشکانی و چه ساسانی) از الفبای آرامی اخذ شده بود و دارای اشکالات فراوان از نظر نوشتن و خواندن بود.

آثار بازمانده از این دوره را می توان به دو دسته تقسیم کرد :



الف - آثار کتیبه ای: آثار کتیبه ای

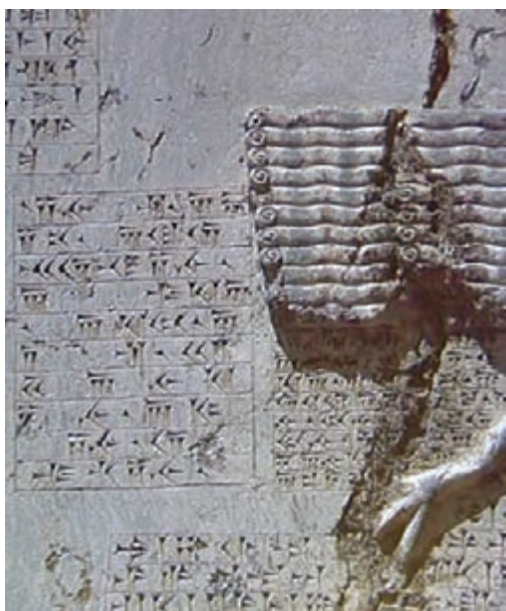
بازمانده از دوران ساسانیان بسیار است و اغلب در غرب و جنوب غربی ایران امروز باقی مانده اند. این کتیبه ها برخی دوزبانه، هم به خط پهلوی اشکانی و هم به خط پهلوی ساسانی اند و برخی هم سه زبانه، یعنی یونانی، اشکانی و ساسانی.

این آثار مربوط به پادشاهان و یا شخصیت های سیاسی و یا مذهبی دوران

ساسانیان می باشند، مانند : کتیبه های اردشیر، شاپور و نرسی و یا کرتر موبد موبدان

ب - آثار کتابی: آثار کتابی بازمانده

از روزگاران ساسانیان نیز به چند دسته تقسیم می گردند :



۱- آثار دینی و تفسیرها و ترجمه های اوستا که اصطلاحاً «زند» نامیده می شوند.

۲- آثار غیردینی، که از نظر موضوعی خود شامل موضوعات مختلفی شامل فرهنگ لغت، دانش نامه، متون فلسفی و کلامی، الهام و پیشگویی، ادبیات حماسی، مناظرات، متون تاریخی و جغرافیایی، متون حقوقی و قوانین شرعی و رساله های کوچک در موضوع های مختلف می باشند.

مهم‌ترین این آثار، بدون در نظر گرفتن موضوع، عبارت است از :

- ۱- «دینکرت» یا احکام و شرایع دینی که یکی از بزرگ‌ترین آثار بازمانده به خط پهلوی است.
- ۲- «بندھش» یا آغاز آفرینش، که در بردارنده‌ی سی و شش فصل و موضوع آن آفرینش و تاریخ و داستان‌های اساطیری است.

- | | | |
|--------------------------|-----------------------------|-------------------------------|
| ۳- «گزیده‌های زادِ اسیرم | ۴- رادستان دینی | ۵- نامه‌های منوچهر |
| ۶- روایات پهلوی | ۷- شکند گمانیک ویچار | ۸- ارداویراف‌نامه |
| ۹- زند و هومن یسن | ۱۰- جاماسب‌نامه | ۱۱- گجستگ ابالیش |
| ۱۲- یادگار جاماسبی | ۱۳- یادگار بزرگمهر | ۱۴- اندرزهای آذربادمهراسپندان |
| ۱۵- اندرز اوشنر دانا | ۱۶- مینوی خرد | ۱۷- یوشت فریان وخت جادو |
| ۱۸- درخت آسوریک | ۱۹- کارنامه‌ی اردشیر بابکان | ۲۰- شایست‌نشایست ؛ |

هم‌چنین ده‌ها کتاب دیگر که هریک بازگوکننده‌ی فرهنگ و ادب، تاریخ و اساطیر، شعر و ادب، لغت و ... ایران پیش از اسلام می‌باشد. بسیاری از این کتاب‌ها به زبان‌های معتبر دنیا و برخی نیز به فارسی ترجمه شده‌اند.

دو کتاب «درخت آسوریک» و «یادگار زیران» نیز وجود دارد که از آثار دوره‌ی اشکانی بوده و در زمان ساسانیان به پهلوی ساسانی بازنویسی شده‌اند. یادگار زیران از نظر محتوی و سبک نگارش می‌تواند نخستین تعزیه‌ی ایرانی به‌شمار آید.

آثار ادبی - مذهبی دیگر مربوط به دوران ساسانیان

در کنار آثار بازمانده‌ی مربوط به دوران ساسانیان، باید به ادبیات مربوط به دین مانی و مانویان نیز اشاره کرد. مانی که خود را پیامبر می‌دانست در سال ۲۱۶ میلادی در بین‌النهرین زاده شد. روز تاج‌گذاری شاپور اول ساسانی به حضور وی رفت و کتاب «شاپورگان» را به وی اهدا نمود و اجازه‌ی تبلیغ رسمی آیین خود را از وی کسب کرد. مانی برای این که بتواند عقاید و آرای خود را به‌سادگی در اختیار همه‌ی مردم بگذارد خطی ابداع کرد که مشکلات خط پهلوی را نداشت (هر چند الفبای آن مأخوذ از خط پهلوی یا مشابه آن بود) و افزون بر آن نقاشی را نیز به خدمت گرفت و کتاب‌ها و نوشته‌های خود را مصوّر نمود شاید این اولین بار بود در دنیا که تصویرگری در خدمت کتابت درآمد. کار دیگر وی آن بود که عقاید و آرای خود را به زبان همان مردمی که برای آنان تبلیغ می‌کرد بیان می‌نمود. از این رو آثار بازمانده‌ی مانوی به اغلب زبان‌های ایرانی میانه مثل اشکانی، سُغدی، پهلوی و ساسانی تهیه شده و مقداری از آن‌ها هنوز هم موجود است. اینک به معرفی کوتاه برخی از آثار وی

که در کتاب «الفهرست» اثر ابن ندیم آمده است اشاره می‌کنیم :

۱- ارژنگ یا ارتنگ ۲- شاپورگان ۳- انجیل زنده ۴- گنج زندگان ۵- فرماتیا ۶- رازها
۷- کاوان (غول‌ها) ۸- نامه‌ها ۹- زبور. بخش‌هایی از برخی از این آثار در کشفیات اوایل قرن بیستم
در ناحیه‌ی تورفان، ایالت سین کیانگ چین به‌دست آمد که مقداری از آن‌ها به زبان‌های انگلیسی،
آلمانی، فرانسوی و فارسی ترجمه شده و برخی به نثر و برخی به شعر است. در این کتاب‌ها، به
افسانه‌ی آفرینش و دستورهای دینی و غیره پرداخته شده است.
اینک به نمونه‌ای از فرگردهای وندیداد توجه کنید.

فرگرد اول از وندیداد :

۱- گفت اهور مزد به سپی تَمه زرتشت : من آفریدم ای سپی تَمه زرتشت جایی را مش بخش را
نبود هیچ جا شادی اگر هر آینه من نمی‌آفریدم ای سپی تَمه - زرتشت جای را مش بخش را پس همه‌ی
مردم جهان آستومند* ایران ویج* را فراز می‌شد.

خودآزمایی

- ۱- زبان‌های ایرانی میانه‌ی شرقی را نام ببرید.
- ۲- زبان‌های ایرانی میانه‌ی غربی را نام ببرید.
- ۳- انواع آثار ادبی بازمانده از دوران ساسانی را نام ببرید.
- ۴- کتب غیردینی دوران ساسانی در چه مقولاتی بودند؟
- ۵- بند هش چند باب است؟
- ۶- از مجموعه‌ی کتب دوران ساسانی ۵ کتاب را نام ببرید.

ارداویرافنامه

کتاب ارداویرافنامه یا بهشت و دوزخ در آیین مزدیسنی، از نوشته‌های دوره‌ی ساسانی است که در آن سیر و سفر در جهان دیگر و آگاهی از پاداش نیکوکاری و بادافره* بدکاری از دوره‌های کهن، اندیشه‌ی بشر را به خود جلب کرده است. گرچه در مذاهب توحیدی نیز به این مسائل اشاراتی شده است اما هیچ‌کدام همانند سیر و سفر ارداویراف مقدس نبوده، تا آن جا که بعد از هزار سال دانتی نویسنده‌ی مشهور ایتالیایی کتاب معروف خود کمدی الهی را از روی همان کتاب نوشت.

ارداویراف مرد پاک و پرهیزگاری است که پیشوایان و موبدان دین زرتشتی او را برگزیدند تا سیری در جهان دیگر بکند و از روان درگذشتگان* آگاهی به‌دست آورد. این سیر معنوی در پیشگاه پیشوایان، از در آتشکده‌ی فرن‌بغ (یکی از آتشکده‌های مهم ایران) آغاز گردید. ارداویراف که در تمام عمر گناهی مرتکب نشده بود به حکم قرعه برای سیر انتخاب شد. او پس از شستن تن و پوشیدن جامه‌های نو، بر بستر پاک آرמיד و روان درگذشتگان یاد کرد و وصیت نمود و سه جام منگ (نوشابه‌ی تخدیری) گشتاسبی از پیشوایان دین گرفت و نوشید و اوراد* خاصی خواند و به خواب رفت و مدت هفت شبانه‌روز به همراه دو فرشته طبقات بهشت و دوزخ را بازدید کرد، همه‌ی نیکوکاران و بدکاران را دید و پیام آن‌ها را در روز هفتم به هم‌کیشان خود باز آورد.

نمونه‌ای از کتاب ارداویرافنامه

فرگرد ۱۳: دیدم روان زنان بسیار نیک‌اندیش، بسیار نیک‌گفتار، بسیار نیک‌کردار فرمانبردار را، با پوششی آراسته به زر و سیم و گوهر، که مطیع شوهران خود بودند.

* پرسیدم، ایشان کدام روانند.

* سروش پاس و ایزد آذر، گفتند این روان آن زنان است که به گیتی آب، آتش، زمین، گیاه، گاو، گوسفند و همه‌ی آفریدگان نیک اورمزد را خشنود کردند.

* ایشان، مراسم دینی و مراسم نان مقدس را به جای می‌آوردند، ورد می‌خواندند و ستایش ایزدان مینو و ایزدان گیتی می‌کردند و خوشنودی و یگانگی و ترس آمیخته با کرنش و فرمانبرداری از شوهر خود می‌کردند و به دین مزدیسنان، بی‌گمان بودند.



* در درستکاری کوشا، و از نادرستی گریزان بودند.
* مرا زیبا و با شکوه به نظر آمد.

ایاتکار زیریران (یادگار زیریران)

پس از اوستا، نخستین کتابی که برای گردآوری قسمتی از روایات ایرانی نگاشته شده و مربوط است به قرن سوم پیش از میلاد (عهد اشکانیان)، «ایاتکار زیریران» است. این کتاب از پهلوانی‌ها و دلاوری‌های ایران پیش از اسلام سخن می‌گوید. باید گفت که تا سال ۱۹۳۲ میلادی از این کتاب اطلاعی در دست نبود، لیکن در همین سال «بنونیست»^۱ ثابت کرد که کتاب حماسی «ایاتکار زیریران» منظوم است و نه منشور*.

یادگار زیریران مربوط است به «زیر» برادر گشتاسب، جنگ‌ها و دلاوری‌های او. از ظواهر امر چنین برمی‌آید که منظومه‌ی یادگار زیریران بر اثر وارد کردن کلماتی برای توضیح و تفسیر از اصل خود دور افتاده و اگر آن کلمات و زواید حذف گردد، اشعار شش‌هجایی متعلق به دوران اشکانیان به‌دست خواهد آمد.

یادگار زیریران، منظومه‌ای مذهبی و قهرمانی است و گاهی مضامینی همانند شاهنامه در آن دیده می‌شود. لیکن از لحاظ بیان احساسات و توصیف احوال از اسلوب زمان خود یعنی ادبیات دوران اشکانی پیروی می‌کند.

۱- بنونیست Benneveniste محقق و پژوهشگر قرن بیستم میلادی است.

خلاصه‌ی داستان یادگار زریران چنین است :

پس از ظهور زردشت، گشتاسب و پیروان او به دین بهی درآمدند. ارجاسپ پادشاه خیونان از این امر آگاهی یافت و سخت برآشفته و دو تن از نزدیکان خود یعنی «ویدرفش جادو» و «نام خواست» پسر هزار را نزد گشتاسب فرستاد و از او خواست تا ترک آیین جدید کند. گشتاسب نپذیرفت و به درخواست برادر کوچک‌تر خود «زریر» قرار جنگ با ارجاسپ را گذاشت. در این جنگ «زریر» پس از دلاوری‌های زیاد کشته شد و پسر او به نام «بستور» به کین‌خواهی پدر ویدرفش را به قتل رسانید. سرانجام بستور با کمک و همیاری «سپنددات» پسر گشتاسب و «گرامیک کُرت» پسر جاماسپ، سپاه توران را شکست داد و ارجاسپ به توران گریخت.



اکنون برای آشنایی بیش‌تر و بهتر، قطعه‌ای از این کتاب را می‌خوانیم :

ویشناسپ به زریر فرمان داد : بکوه بغان - آتش بفرمای کردن - به شهر و پهلوانان - بگوی که جز مغ مردان - که آتش بهرام - ستایند و نگاه دارند - از ده تا هشتاد سال - هیچ مرد به مپاید* -

چنان کنید که دو ماه دیگر - به درگاه وشتاسپ آید - اگر نیاید و به درگاه مباحثید - آن گاه شما را بدار - بر فرماییم کرد - پس همه ی مردم - به درگاه وشتاسپ شاه - به سپاهی آمدند - **تومبک*** و شیپور زدند - و در سه تخمک* بانگ کردند - کاروانی پدید آوردند - پیلبانان بر پیل رفتند - شتربانان با شتر - و ورتین دار به ورتین* - تبرک ها بسیار بود - کیش ها* پر از تیر - و بس زره روشن - بس زره چهار کرد* - کاروان ایران چندان بود - که بانگشان بر آسمان - و پای به دوزخ می شد - گذرگاه ها بیریدند - آب ها بیاشفتند - ایدون* که تا یک ماه - آب خوردن نمی شایست - به روز روشنی نبود - مرغ نشیم* نمیدید - و چنان بود که براسبان - و بر تیغ نیزه کان - و بر ستیغ کوه - شب از روز پیدا نبود.

کارنامه ی اردشیر بابکان

اثر حماسی معروف دیگری که از عهد پیش از اسلام باقی مانده و حاوی قطعات حماسی مهمی است کتاب «کارنامه ی اردشیر بابکان» است.

اهمیت این کتاب در این است که اساس و شالوده ی شاهنامه ی فردوسی را تشکیل می دهد.

بند ۱۳ تا ۱۹ فصل ۲: روزی اردوان؛ سواران و اردشیر به نخجیر شد. گوری اندر دشت بگذشت. اردشیر و پسر بزرگ اردوان از پس آن گور تاختند و اردشیر اندر رسید و تیری ایدون* بگور زد که تیر تا پر بشکم اندر شد و از دیگر سوی بگذشت و گور بر جای بمرد. اردوان و سواران فراز رسیدند و از چنان زئش* بدان آیین شگفتی نمودند. اردوان پرسید که این زئش که کرد؟ اردشیر گفت که



من کردم، پسر اردوان گفت که نه چه من کردم. اردشیر به خشم آمد و پسر اردوان را گفت که هنر و مردانگی به ستمگری و بی آزمی* و دروغ و بیداد به خویش بستن نتوان، این دشت نیک و ایدرگور بسیار، من و تو ایدر دیگر آزمایش کنیم و دلیری و چابکی پدید آوریم.

طند

هلاکوخان پس از فتح بغداد دستور داد :
تجّار را سرمایه دهند تا از بهر او بازرگانی کنند،
و مشایخ و وعاظ، گدایان و قلندران، شاعران
و قصه‌گویان را حکم کرد تا در شط غرق کنند و روی
زمین را از خبث ایشان پاک گردانند.

عبید زاکانی

خودآزمایی

- ۱- یادگار زیران چندمین کتاب ایرانیان است؟
- ۲- این کتاب درباره‌ی چه چیزی سخن می‌گوید؟
- ۳- قطعه‌ی یادگار زیران نوشته شده در این درس را به صورت دکلمه برای هم کلاسی‌ها اجرا کنید.
- ۴- کارنامه‌ی اردشیر بابکان چه تأثیری در شاهنامه‌ی فردوسی داشته است؟
- ۵- قطعه‌ای را که از کارنامه‌ی اردشیر بابکان در این درس خواندید، به نثر امروزی بنویسید و در کلاس بخوانید.

فهرست منابع

- ۱- ذوالفقاری حسن؛ زبان و ادبیات عمومی
- ۲- ستوده، غلامحسین؛ مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی
- ۳- کشاورز، کریم؛ هزار سال نثر پارسی
- ۴- همایی، جلال‌الدین؛ تاریخ ادبیات



نمونه‌ای از معماری اسلامی
سر در مسجد جامع یزد